

مسائل فرهنگی کارگزاران در حوزه نظام ارزشی در سیره مدیریتی امیرالمومنین (ع)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

علی حاجبانی نژاد*

چکیده

این پژوهش تلاشی برای شناخت سیره مدیریتی حضرت علی (ع) در شناسایی مسائل فرهنگی کارگزاران در حوزه ارزشی می‌باشد، بنابراین دغدغه اصلی ما در این پژوهش این است که چند مورد از مسائل فرهنگی کارگزاران در حوزه نظام ارزشی در سیره مدیریتی حضرت امیر (ع) را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین ضمن بررسی در سیره مدیریتی امیرالمومنین (ع) به چگونه شناسایی و برخورد کردن با مسائل فرهنگی کارگزاران خواهیم رسید. هدف ما در این پژوهش شناسایی مسائل فرهنگی کارگزاران در سیره مدیریتی حضرت علی (ع) در دوران چهار سال و نه ماه حکومت حضرت با تکیه بر نهج البلاغه می‌باشد، این کتاب ارزشمند در بردارنده مبانی فرهنگی اجتماعی و حکومتداری و سرشار از رهنمودهای حکومتی امام علی (ع) به حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی است. بنابراین در راستای این کلمات بشری که در پرتو آیه‌های وحی است ما در این پژوهش به شناسایی پاره‌ای از مشکلات در حوزه ارزشی دوران حکومت حضرت امیر (ع) همچون؛ ضعف ایمان و معاد باوری، عصبان و کوچک شمردن احکام الهی در میان کارگزاران حکومت اسلامی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، امام علی (ع)، مدیریت فرهنگی، کارگزاران، نهج البلاغه.

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که لازمه هر فردی به ویژه آنهایی که در رأس جامعه قرار گرفته است مبانی ارزشی و اعتقادی می باشد که در واقع زیربنای تمام رفتارهای انسان قرار می گیرد و اگر این امر در کارگزاران یک جامعه نهادینه نشده باشد با برخورد و دسترسی پیدا کردن به ثروت و اموال مسلمین دچار وسوسه و هوای نفس می شوند، بنابراین حضرت امیر (ع) یکی از سفارش های مهم ایشان در مبارزه با فساد مالی سفارش کارگزاران به رعایت تقوا، یاد معاد و عدم توجه به زندگی اشرافی بوده است چرا که مسئله ارزشی و اعتقادی تا جایی اهمیت دارد که در صورت سالم بودن آن باعث می شود؛ انسان از همه آفات درونی و بیرونی که ارزشی و رفتاری باشد در برابر وسوسه های شیطانی حفظ شود. لذا حضرت بیش از همه، کارگزاران و زمامداران حکومتی را به رعایت تقوا و یاد معاد و ارزش های اعتقادی سفارش می کند، چون زماندار بی تقوا و پایبند نبودن به ارزش های دینی و اسلامی اسیر هوا و هوس، طمع، شهوت می شود و چنین کسی فقط در پی تامین نیازهای خود می باشد و همین تفکر و دیدگاه در جامعه هم سرایت می کند چرا که هر رفتاری برگرفته از آن اعتقاد و ارزشی است که به آن باور دارند که حضرت در پی اصلاح آن در بین کارگزاران می پرداختند و به متناسب با هر مساله و مشکل راهکارهای راه مطرح می نمودند. از آنجا که عرصه فرهنگ مفهومی فعال در محیط اجتماعی می باشد هر گونه تحول، تغییر و کنش گری اجتماعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم خواهد توانست تاثیر به سزایی در حوزه فرهنگ داشته باشد. در این مجال ضمن توضیح دادن مساله حوزه ارزشی کارگزاران به مهمترین تحولات و رخداد های عصر امام علی که به صورت مستقیم در حوزه فرهنگ تاثیر گذار بوده و از مسائل فرهنگی این دوره به شمار می رود در چهار بند مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

مفهوم شناسی

مدیریت

معنای لغوی

مدیریت در لغت مصدر جعلی است که از ریشه (دور) گرفته شده و براساس قواعد صرفی واو ماقبل مفتوح قلب به الف می شود و به صورت (دار) در می آید؛ که به معنای منزل، محل رفت و آمد است. و شکل متعدی این کلمه (ادار) است به معنای به حرکت درآوردن و گردانیدن است بنابراین مدیر که اسم فاعل است به معنای (به گردش و چرخش درآورنده امور می باشد). (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۹۵)

معنای اصطلاحی

مدیریت عبارت است از فرایند برنامه ریزی، ساماندهی، هدایت، نظارت بر کار نیروی یک سازمان و کاربرد همه منابع که قابل دسترس است برای رسیدن به اهداف تعیین شده سازمان. (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۸)

با بهره گیری از تعاریفی که وجود دارد، تعریف جامع از مدیریت را می توان این چنین ارائه داد: دانش و هنر به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، امکانات، هدایت و کنترل برای دستیابی به اهداف سازمان به شیوه مطلوب (برای مطالعه بیشتر از تعاریف مدیریت رجوع شود به منابع ذکر شده: (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ص)، (رضاییان، ۱۳۷۶، ص ۶)، (GRIFIFN. R)، (ICKYW. 1996. P.5)، (حسام الدین، ۱۳۷۰، ص ۳۴)، (پیروز و دیگر همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳)

فرهنگ

معنای لغوی

واژه فرهنگ در زبان‌های اروپایی انگلیسی فرانسوی آلمانی KuLtur و CuLture می‌گویند که از واژه CULTURA بدست می‌آید و از ریشه لاتینی COLERE است البته این کلمه معنای گسترده دارد همچون کشت کردن، حراست کردن، پرستش کردن، به طور مثال معنای پرستش از CULTUS بر آمده است که باریشه CULTR خویشاوندی دارد، اما آنچه که بعدها در زبان‌های اروپایی رواج یافت همان معنای است که در کشت کردن نهفته بود یعنی CULTURA، هر چند که این کلمه در قرون وسطی به معنای پرستش و عبادت نیز به کار می‌رفت. در بسیاری از زبان‌های اروپایی این کلمه هنوز معنای آغازین خودش را حفظ کرده است. (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۳)

معنای اصطلاحی

تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲م) می‌گوید فرهنگ مجموعه پیچیده از معارف، اعتقادات، هنر، اخلاق، قانون، سنت، آداب و عاداتی است که اعضا از محیط اجتماعی خود به ارث می‌برند. (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۷۲۲-۷۲۳). (برای مطالعه بیشتر از تعاریف فرهنگ رجوع شود به منابع ذکر شده: زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۶، ص ۶۳۰-۶۳۱)، (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۷۲۲-۷۲۳)

مدیریت فرهنگی

معنای اصطلاحی

در تعریف از مدیریت فرهنگی بیان کرده‌اند که: مدیریت فرهنگی؛ دانش، هنر و شناخت و مهارت، ایجاد و بکارگیری ظرفیت‌های موجود در منابع انسانی، دانش، محتوا، مهارت‌ها و تجربیات، سرمایه اجتماعی موجود و منابع مادی به منظور استقرار، تحکیم و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و نمادها در افراد، گروه‌ها و جامعه بنابر هدف گذاری، طراحی اقدامات، اجرا و ارزیابی می‌باشد. (رحمانی، ۱۳۹۴، ص ۲۷)

با توجه به تعریف‌های که از فرهنگ و مدیریت شد؛ تعریف مورد نظر این پژوهش از مدیریت فرهنگی چنین خواهد بود: مدیریت فرهنگی فرایندی است که شامل برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل، هدایت، هماهنگی، گزارش دهی و بودجه ریزی در راستای دستیابی به اهداف، ارزشها و باورهای سازمانی و فراسازمانی خواهد بود.

مسأله فرهنگی

براساس تعریف تایلور: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای معارف، اعتقادات، هنر، اخلاق، قانون، سنت، آداب، و عاداتی است که اعضاء، از محیط اجتماعی خود به ارث می‌برند. (آراسته خو، ۱۳۸۱، ص ۷۲۲-۷۲۳)

کارگزاران

معنای لغوی

کارگزارنده، انجام دهنده کار، عامل و مأمور حکومت، کسی که به آسانی، جلدی، و نیکی کارها را انجام می‌دهد، در عهد قاجار می‌گفتند مأمورین و کارگزاران نهان مهام خارجه. (معین، ۱۳۷۱، ص ۲۸۱۴)

معنای اصطلاحی

به تعبیر کلی تمامی کسانی که در اداره‌های دولتی و حکومتی کار می‌کنند (کارمندان دولت) که به نوعی برگزیدگان این نهادها هستند را شامل می‌شود. (ذاکری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵)

حوزه ارزشی کارگزاران

هنجارها و ارزش‌های یک مجموعه اصول و قواعدی است که به مثابه اعمال آدمی در یک جامعه پذیرفته می‌شود و بر قانونی اطلاق می‌شود که معیار مشترک بین اعضای یک گروه اجتماعی است و انتظار دارند تا بر اساس آن رفتار خود را شکل دهند، و از طرفی رفتارها بر اساس هنجار و ارزش‌ها شکل می‌گیرد و انجام می‌شود.

(واسعی، ۱۳۹۴، ص ۳۶) بنابراین هنجار گاهی برگرفته از آموزه‌های دینی و اسلامی و گاهی اجتماعی و عرفی می‌باشد و گاهی هم از سنت‌های تاریخی ریشه می‌گیرد که به آن هنجارهای فرهنگی هم می‌گویند. بنابراین با همه این بیان‌ها تا موقعی که یک امری مورد قبول فرهنگ جامعه قرار نگیرد نمی‌توان آن را یکی از هنجارهای جامعه به شمار آورد و از طرفی اگر کسی با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی هم‌نوا نباشد و برخلاف آنها عمل کند به آن ناهنجار گفته می‌شود. چرا که به دنبال آن کج روی، دور شدن از هنجارهای اجتماعی و فاصله گرفتن از خط مستقیمی که برای بهتر زندگی کردن ترسیم شده است می‌شود. (واسعی، ۱۳۹۴، ص ۳۷-۳۸) پس بنا بر آنچه که گفته شد در هر جامعه‌ای از افراد انتظار می‌رود که پایبند به هنجارها و ارزش‌های آن جامعه باشند و به آن عمل کنند و اگر کسی مخالف آن عمل کند در واقع به ناهنجاری دامن زده است.

به گفته آلن بیرو در کتاب فرهنگ علوم اجتماعی؛ باورها آن دسته از اندیشه‌های دینی یا ایدئولوژیک هستند که به زندگی و رفتار جمعی تاثیر می‌گذارند. (واسعی، ۱۳۹۴، ص ۴۰) یعنی در واقع حوزه ارزشی و هنجاری همان اعتقاد و باوری است که در ذهن شکل می‌گیرد و بر اساس آن انسان‌ها رفتار می‌کنند که در بیرون مصداق پیدا می‌کند.

ضعف ایمان و ضعف معاد باوری

مهمترین عامل تعیین رفتار آدمی در کلام امیرالمؤمنین (ع) به ویژه نهج البلاغه، دین و ایمان به دستورات دینی و معاد است چرا که دین و برنامه‌های عملی آن از جهات مختلف بر شکل‌گیری شخصیت، افکار، رفتار انسان تاثیر می‌گذارد به طوری که باعث می‌شود فرد همه برنامه‌های زندگی‌اش اعم از فردی و اجتماعی از دین الگو بگیرد، و از طرفی همانطوری که باورهای دینی یعنی ایمان و اعتقاد به معاد، رفتار فردی و خانوادگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، گرایش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

را نیز هدایت می‌نماید. لذا بر خط مشی‌های انسان هم این اعتقاد و باور به معاد و ایمان تاثیر مثبت خواهد گذاشت، چرا که اگر ایمان و باور به معاد دچار ضعف شود تاثیرات منفی بر خط مشی‌های حاکمان و کارگزاران می‌گذارد.

چرا که ایمان و باور به معاد یکی از مهمترین عامل مهار قدرت و جلوگیری از فساد فرهنگی، اجتماعی می‌باشد. در بیانات امیرالمؤمنین(ع) در رعایت احکام و دستورات خداوند و پیروی از دین مقدس اسلام مکرر تاکید شده است. همانطور که در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه، ضمن بیان نمودن توصیف جامعه از دین اسلام همه مردم را به پیروی از آن دعوت می‌کند.

یکی از مشکلات دنیای امروز ناکارآمدی بعضی جوامع در کارگشایی امور مردم به خاطر این است که منفعت‌های شخصی را لحاظ کردند، بوجود آمدن رابطه به جای ضوابط است، و راه علاج آن توجه دادن کارگزاران به معاد و روز آخرت است. چون اعتقاد به معاد باعث می‌شود همواره مسئولان در جهت خدمتگذاری کوتاهی به خرج ندهند و خدمت رسانی و حل مشکلات مردم را دلسوزانه انجام بدهند.

بنابراین انتظار تحقق عدالت اجتماعی در جامعه در حالی که ایمان و باور به معاد و تقوا در افراد نهادینه نشده باشد همین خود باور باطلی است و بی‌عدالتی حاکمان و کارگزاران از همین جا ناشی می‌شود چون ایمان واقعی در آنها راه نیافته و باور به معاد در آنها شکل نگرفته است، و با توجه به فرموده حضرت علی علیه السلام: «بد توشه‌ای است برای آخرت تجاوز نمودن و ستم کردن بر بندگان خدا» (کلمات قصار، شماره ۲۲۱) ایمان و اعتقاد به معاد اگر باشد انسان به یقین می‌رسد که بهترین توشه برای آخرت تقوا می‌باشد چون انسانی که به معاد باور دارد هیچ وقت راه ظلم و تجاوز پیش نمی‌گیرد.

در ادامه یک نمونه از مشکلات کارگزاران حضرت علی(ع) در حوزه ارزشی را

بررسی می‌کنیم:

اشعث بن قیس (معدی کرب بن قیس کندی، درگذشت ۴۰ق)

«هنگامی که مردم با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کردند و حضرت بعد از جنگ جمل به کوفه آمد و نامه‌هایی را برای کارگزاران خود نوشت یکی از نامه‌هایش را توسط زیاد بن نمره برای اشعث بن قیس فرستاد. امام در برخورد با اشعث که فرماندار آذربایجان بود نامه‌ای ملایمت آمیز می‌نویسد و از او می‌خواهد که با مردم بیعت بگیرد و خراج آذربایجان که مدتی است در نزد او است به سوی امام روانه کند اما او در گرفتن بیعت با سپاهیان نشان داد که مایل به اخذ بیعت نیست و سکوت کرده به خاطر این که پیوندی با خلیفه پیشین دارد و دخترش عروس عثمان می‌باشد». (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۰)

امام نامه دوم با لحن تندتری برای او فرستاد و فرمود: «استانداری برای تو لقمه چرمی نیست، بلکه یک امانتی از طرف خدا می‌باشد، و در نزد تو این اموال که متعلق به خدا است امانت می‌باشد تا اینکه به خدا بازگردانی، و بدان که من برای تو والی بدی نخواهم بود تا وقتی که درستی را پیشه سازی. پس هر گاه فرستاده ام این نامه را به سوی تو آورد، به سوی من رهسپار شو و آنچه از مال مسلمانان پیش تو است با خودت بیاور». (سبحانی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۹)

در پی این نامه امام که اموال آذربایجان را از او خواست، اشعث مایل شد به معاویه بپیوندد اما مشاورانش او را نهی کردند و گفتند: «می‌خواهی به سرزمین غربت بروی و قبيله و عشيره خود را بگذاری؟» پس او به سوی علی حرکت کرد. (سبحانی، ۱۳۷۴، ص ۴۸۰) بنابراین در اینجا وقتی حضرت با لحن تندتری نامه می‌نویسد تا او را از راه انحرافی که پیش گرفته نجات دهد ولی اشعث بجای این که از مردم برای حضرت امیر(ع) بیعت بگیرد سکوت را پیشه می‌کند. و در این بین آن کسی که از طرف حضرت نامه آورده است بلند می‌شود و شروع به روشنگری می‌کند و آنها را نسبت به نقشه عثمان و اطرافیانش آگاه می‌سازد.

اما آنچه که در این گزارش دیده می‌شود عدم اطاعت پذیری والی از رهبر خود می‌باشد در صورتی که نباید در حکومت اسلامی براساس جایگاهی که افراد در آن جامعه پیدا میکنند خود رأی شوند و آنگونه که می‌خواهند از بیت المال استفاده کنند و وقتی هم حاکم آنها را از این نوع برخورد خود سرانه شان نهی می‌کند موجب ناراحتی و جدای آنها از وظیفه و مسولیت‌ای که به آنها داده شده است بشود بلکه باید در همه موارد گوش آنها به حرفهای رهبرشان باشد، و بر اساس مواظین وقوانین اسلامی عمل کنند نه سلیقه شخصی یا به نفع خود، چرا که به دلیل ضعف از معاد است که به دنبال آن عدم تبعیت از دستورات حاکم و عمل نکردن به تکلیف محوله می‌آورد.

اتکای نابجا به سابقه جهاد و غفلت از لغزش گاه‌های مالی

در جهاد اهدافی وجود دارد که به وسیله آن اهداف است که مدیران و کارگزاران تلاش‌های جهادی انجام می‌دهند و در واقع در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون کارهای جهادی جزء نظام‌های ارزشی به حساب می‌آورند بنابراین در فرهنگ جهادی سخت کوشی وجود دارد و لذا خود جهاد به صورت ویژه با پرهیز از افراط و تفریط اطاعت از حاکم و پیشوای خود و دوری از تکبر و خودبینی، وفاداری به پیمان مشخص می‌شود، انجام دادن کارها با همت مضاعف از مفهوم جهاد ناشی می‌شود، اگر از این امر غافل شویم در جامعه موفق نخواهیم شد و همچنین یکی از غفلت‌هایی که گاهی برای جهادگران پیش می‌آید و اجر آنها را ضایع می‌کند لغزش مالی می‌باشد؛ به این جهت که کارگزاران به خاطر تمایل داشتن به روش زندگی تجملاتی و اشرافی دچار انحطاط می‌گردند، گاهی همین مسأله اولین لغزشی است که جلوی آنها قرار می‌گیرد، لذا یکی از عواملی که باعث می‌شود اجر آنها ضایع نشود و جلوی اشرافی‌گری که خود بسی لغزش بزرگی است برای کارگزاران را بگیرد؛ رعایت ساده زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری می‌باشد.

در ادامه یک نمونه از مشکلات کارگزاران حضرت علی(ع) در این حوزه را بررسی می‌کنیم:

یزید بن قیس بن تمام ارجبی

از جانب امام زمانی مسئولیت حکمرانی بر مدائن و زمانی والی گری اصفهان را بر عهده داشت در فرستادن خراج منطقه به حضرت تعلق ورزید. امام علی(ع) در راستای آگاه ساختن یزید بن قیس که در معرض اتهام مالی بود او را به تقوای الهی و به دور نگه داشتن خود از رفتارهای اتهام برانگیز توجه داد، و در نامه این گونه به وی نوشت: «فرستادن خراجت را به تأخیر انداخت ای نمی‌دانم چه چیز باعث شده است که چنین کنی من تو را به پرهیزگاری و صلاح سفارش می‌کنم، و همچنین به تو هشدار می‌دهم از اینکه اجر خود را ضایع گردانی و جهاد و کوشش را به وسیله خیانت به مسلمانان باطل کنی، پس از خدا بترس و نفس خود را از حرام دور گردان و خود را در معرض قهر و سلطه من قرار نداده که چاره‌ای جز اینکه درباره تو بدگویی کنم نخواهم داشت مسلمانان را عزیز شمار و به هم پیمانان ظلم نکن و بخواه آنچه که خداوند در آخرت به تو داده و هیچ‌گاه سهم و نصیب خود را از دنیا فراموش مکن و احسان کن همان گونه که خداوند به تو احسان کرده است و طلب فساد در روی زمین منما که خداوند مفسدین را دوست نمی‌دارد». (یعقوبی ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۱).

همانطوری که در جامعه امروزی هم به چشم می‌خورد؛ اکثر انحرافات به خاطر خطا و لغزش مالی است بنابراین سفارشهای که حضرت در راستای جلوگیری از این انحرافات و مشکل کارگزاران خود می‌دهد نشانگر این است که چون به لحاظ ارزشی و باور آنها به سرای باقی پایین بوده لذا دست به اینطور خیانت‌های می‌زنند که همین سفارش برای جامعه امروزی و مدیران جامعه اسلامی راه گشا و کارساز خواهد بود.

دلگیری از جابجایی مسئولیت‌ها

انسان موجودی اجتماعی است و طبیعتاً زندگی اجتماعی برای خود مقتضیاتی دارد از جمله آن مسئولیت پذیری در جامعه می‌باشد و به وسیله آن است که ارزش‌های دینی در جامعه ترویج می‌شود بنابراین اگر کسی در یک جا مسئولیتی به او دادند باید به طور صحیحی این مسئولیت را انجام بدهد چرا که عدم توانایی انجام مسئولیت که به او واگذار شده است باعث ایجاد فساد در جامعه و ضرر و ضربه خوردن آن جایگاه و به تبع آن مردم جامعه می‌شود لذا بر رهبر و حاکم جامعه لازم است که ارزیابی و نظارتی که بر کارگزاران خود دارد اگر ببیند یکی از کارگزاران در انجام مسئولیت کوتاهی می‌کنند و یا شایستگی لازم برای انجام آن کار در مسئولیتی که به آنها داده شده ندارند، باید قبل از ایجاد فساد در پی جابجایی آن مسئول بر آید تا از ضررهای وارد شده ناشی از کم کاری و ناتوانی در مسئولیت به جامعه و افراد آن جلوگیری شود. بنابراین مسئول هم باید با استفاده از باور به اعتقادی که از ولی خود دارد اطاعت پذیر به دستورات او باشد چرا که ولی و حاکم جامعه صلاح کار را بهتر می‌داند؛ نباید نسبت به جابجایی صورت گرفته در مسئولیت‌ها دلگیر و ناراحت شود چه بسا اینطور برخورد کردن با حاکم و ولی خود نشان از ضعف باور و ایمان فرد به حاکم و امام خود می‌باشد.

در ادامه دو مورد از مشکلات کارگزاران حضرت علی (ع) در این حوزه را بررسی

می‌کنیم:

قیس بن سعد عباده خزرجی انصاری (وفات ۶۰ یا ۸۵ ق)

قبل از جنگ صفین معاویه در صدد خریدن قیس بن سعد یار با وفای امیرالمؤمنین و والی حضرت در مصر بر آمد، پس از آنکه با جوابهای منفی قیس مواجه و از وی ناامید شد؛ در یک مکر سیاسی و در جهت ایجاد جنگ روانی، در شام اعلام کرد که

قیس به ما پیوسته و از مردم شام خواست که به وی دشنام ندهند خبر به کوفه و یاران حضرت امیر رسید. (سلیمانی، ۱۳۹۶، ص ۸۵)

«در حالی که حضرت اصلاً این شایعه را باور نکرده و به قیس اطمینان کامل داشت، تعجب کرد و برایش مشکل بود که بپذیرد قیس بن سعد با معاویه صلح کرده است از این جهت فرزندان حسن و حسین و محمد بن حنفیه و عبدالله جعفر را فراخواند و از آنها نظر خواست و حضرت نامه‌ای را به قیس نوشت و برای او فرستاد وقتی این نامه به قیس رسید محمد بن ابی بکر به جای او جانشین او در مصر شد از این که امیرالمومنین قیس را از عزل کرده بود ناراحت شد و از مصر خارج گردید».

(ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۳)

محمد ابن ابی بکر ابی قحافه (۳۸ ق)

ابراهیم ثقفی می‌گوید: محمد بن عبدالله، از مدائنی، از قول رجال خود نقل می‌کند: «وقتی که حضرت، محمد بن ابی بکر را به استانداری مصر منصوب کرد بعد از مدتی معاویه بر آن شد که با حمله به مصر آنرا از قلمرو امام (ع) جدا کند بر این اساس عمرو عاص را بر این مأموریت گماشت تا مصر را اشغال کند امام علیه‌السلام برای جلوگیری از این خطر دید باید فرد مقتدری را برای مسئولیت مصر برگزیند و آن شخص مالک اشتر بود، بر این اساس مسئولیت مصر را به مالک سپرده و محمد بن ابی بکر را به مدینه فراخواند گرچه مالک به مصر نرسیده توسط ایادی معاویه به شهادت رسیده ولی به امام خبر رسید که محمد بن ابی بکر از این رفتار امام علیه‌السلام نسبت به خود ناراحت شده است که حضرت در برخورد با او نامه‌ای نوشت».

(سید رضی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۹۴۵)

امام علی (ع): «پس از مرگ اشتر برای او چنین مرقوم فرمود: اما بعد، به من خبر رسید که تو از گسیل داشتن اشتر به منطقه حکومت خودت افسرده شده‌ای. توجه داشته باش من این کار را از این جهت انجام ندادم که تو را در جهاد سست پنداشته

باشم یا اینکه بخواهم که تو بر کوشش خود بیفزایی و بر فرض که این کار را از دست می‌دادی تو را از آن برکنار می‌ساختم و به حکومتی که بر تو آسان تر و خوش تر باشد می‌گماشتم. همانا این مردی که او را به ولایت مصر گماشتم برای ما مرد خیرخواهی بود و بر دشمن ما سختگیر بود. رحمت خدا بر او باد که روزگارش به سر آمد و به مرگ برخورد و ما از او راضی هستیم، خدایش از او خشنود باد و پاداش او را افزون و سرانجامش را خوش فرماید. اینک در صحرای باز به جنگ دشمن خود برو و برای جنگ دامن بر کمر زن و با حکمت و موعظه پسندیده مردم را به خدای خویش فراخوان، یاد خدا و یاری جویی از او را فراوان انجام بده و از او ترس تا تو را کفایت و بر ولایت خودت یاری فرماید». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۱۸)

در این گزارش محمد بن ابی بکر به خاطر نوع مدیریت حضرت ناراحت می‌شود که امام طی نامه‌ای او را به خاطر مساله انجام گرفته آگاه می‌سازد، که این نوع واکنش نشان دادن نسبت به امر امام، نشان از مطیع تام نبودن و خود بینی او می‌باشد. به خاطر اینکه مصلحت نظام اسلامی بر منزلت شخصی افراد مقدم می‌باشد.

عصیان و کوچک شمردن احکام الهی

دین اسلام که به عنوان آخرین و کاملترین دین از سوی خداوند متعال آمده است، برای هدایت انسانها نازل شده است و دارای دستورالعمل‌هایی می‌باشد بنابراین همه اعم از مردم و کارگزاران و مدیران یک جامعه موظفند که به دستورات آنها عمل بنمایند و در انجام دادن دستورات و احکام الهی کوتاهی نفرمایند. لذا در حکومت اسلامی و دینی نسبت به انجام دادن دستورات و احکام الهی بین عوام و خواص هیچ فرقی وجود ندارد و نباید به خیال اینکه در جامعه اسلامی چون که به امام و مجری احکام قرابتی داریم این باعث سبک شمردن عمل به احکام دینی شود و یا باعث شود مجوزی باشد برای کوتاهی در عمل به دستورات الهی.

بنابراین عصیان و کوچک شمردن احکام الهی دلایلی دارد یکی از مهمترین دلایل و عوامل آن که در قرآن کریم به آن اشاره شده شیطان است. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (سوره بقره (۲)، (۳۶)، فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ (سوره اعراف (۷)، (۲۰)، فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ (سوره اعراف (۷)، (۲۲)).

خداوند، ازاله، وسوسه، و اخراج آدم و حوا را مستقیم به شیطان نسبت می‌دهد. چرا که شیطان با وسوسه در آدم نفوذ می‌کند و او را فریب می‌دهد چرا که سستی و لغزش آفت عمل خوب است و شیطان ابزارهای زیادی برای فریب انسان‌ها دارد که بنا به جایگاه و موقعیت خاص از آنها استفاده می‌کند. و باید مواظب بود که یکی از دام‌های شیطان که انسان فریب آن می‌خورد و دست به عصیان می‌زند ولو اینکه او جایگاه و منزلت بالایی هم داشته باشد همین کوچک شمردن احکام الهی می‌باشد.

در ادامه چند نمونه از مشکلات کارگزاران حضرت در این حوزه را بررسی می‌کنیم.

نجاشی شاعر (ابوالعباس احمد بن علی معروف به نجاشی (وفات ۴۵۰ق)

«یکی دیگر از کسانی که گریخت و به معاویه پیوست نجاشی شاعر، از خاندان حارث بن کعب بود. در صفین شاعر امام بود و با اشعار خود سپاه کوفه را روحیه می‌بخشید. با توجه به نقش شاعران در آن دوران و اهمیت شعر در جنگ‌ها، باید او را از عوامل حکومتی به شمار بیاوریم او در روز اول ماه مبارک رمضان، مرتکب شرابخواری شد و امام هم بدون در نظر گرفتن موقعیت وی فرمان دستگیری و اجرای حد الهی را درباره او صادر و نزد مردم خوار و خفیفش کرد». (ابن هلال، ۲/۵۳۳ به بعد؛ به نقل از: اداک، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸)

ابن کلبی، از عوانه نقل می‌کند که می‌گفته است: نجاشی روز اول ماه رمضان از خانه‌اش بیرون آمد و از کنار ابو سمال اسدی که کنار خانه خود نشسته بود عبور کرد. ابو سمال به او گفت: کجا می‌خواهی بروی؛ گفت: به کناسه می‌روم. وی نجاشی را

فریب داد و در نتیجه در پی صحبت‌های ابو سمال و میل شخصی خود در ماه مبارک رمضان مرتکب شراب خواری شد. ابوسمال همسایه‌یی داشت از شیعیان علی(ع)؛ که نزد حضرت آمد و داستان آن دورا گفت. امام علی(ع) گروهی را فرستاد تا خانه را محاصره کردند.

ابو سمال به یکی از خانه‌های بنی اسد پرید و گریخت. نجاشی گرفتار شد و او را به حضور علی(ع) آوردند چون صبح شد او را در حالی که شلواری بر پا داشت سر پا نگه داشتند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۶)

شریح بن حارث کندی معروف به شریح قاضی (وفات ۳۸ق)

آشنا بودن امام به طبقات پایین باعث شده بود نسبت به کارگزاران خود سخت بگیرند، بنابراین در پی خبری که به امیرالمؤمنین دادند در رابطه با خریدن خانه توسط شریح قاضی به ارزش ۸۰ دینار، او را احضار کرد شریح سخن حضرت را تایید کرد و حضرت با خشم و نگاه غضب آلود چنین فرمودند: «ای شریح به زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته ات نگاه نمی‌کند و از گواهانت نمی‌پرسد، تو را از خانه بیرون می‌کند و به قبر می‌سپارد پس اندیشه کن که آن خانه را با پول حرام نخریده باشی آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای». (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۵)

براساس گزارش‌های بیان شده روشن شد که حضرت نسبت به نزدیکان و کارگزاران خود حساسیت ویژه‌ای داشته است. چرا که آنها به عنوان نماد و الگوی جامعه اسلامی برای مردم می‌باشند لذا باید نسبت به اعمال و رفتار خود مواظبت بیشتری به خرج بدهند و نه تنها عمل به احکام الهی را نباید کوچک بشمارند بلکه در معرض تهمت هم واقع نشوند و مخصوصاً وقتی به عنوان یک مدیر ارشد جامعه قرار می‌گیرند سطح زندگی خود را باید پایین بگیرند و به کم قانع شوند تا اختلاف طبقاتی بین مسولین و مردم به وجود نیاید و هم اینکه نگاه مردم به آنها تغییر نکند، چرا که هر گونه رفتار مسولین بر فرهنگ جامعه تاثیر خواهد گذاشت.

نتیجه گیری

از آنجایی که حکومت دینی برای جوامع اسلامی یک امر ضروری محسوب می شود لذا مهمترین عامل حفظ حکومت، اجرای قانون و عدالت و جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران توسط حاکم و کارگزاران و مدیران ارشد جامعه است. بنابراین مدیران ارشد، کارگزاران به جهت رسیدن جامعه به رشد و پیشرفت و اجرای هرچه بهتر احکام اداره صحیح جامعه نیازمند به الگوی ارزشی و رفتاری می باشند که تا بر روی فرهنگ جامعه تاثیرات مثبت و شایسته ای بگذارند. به دلیل اینکه مدیران ارشد به عنوان نماد و الگو در جامعه قرار می گیرند اگر در حوزه ارزشی مشکلاتی داشته باشند از لحاظ فرهنگی بر افراد جامعه تاثیرات منفی خواهند گذاشت و به مرور زمان باعث می شوند این گونه مشکلات به عنوان ضد فرهنگ در جامعه ساری شود. حکومت کوتاه حضرت علی(ع) می تواند الگوی خوبی برای شناسایی مسائل فرهنگی کارگزاران در حوزه ارزشی در امر کشورداری جامعه اسلامی محسوب گردد چرا که نوع حکومت داری حضرت به ویژه در سیره مدیریتی، شناسایی مسائل فرهنگی کارگزاران که به عنوان الگوی جامعه قرار می گیرند و هر گونه اعتقاد و رفتار آنها بر افراد جامعه از لحاظ فرهنگ تاثیر می گذارند. چون حضرت به دنبال دفاع از حقوق همه انسان ها، رعایت عدالت و تلاش در اجرای آن و دستور دادن به کارگزاران خود در رعایت کردن حقوق همه مردم و پرهیز از تبعیض بوده اند. بنابراین در صحنه حکومت حضرت که در کتاب شریف نهج البلاغه بر اساس نامه ها و خطبه ها که از امام همام به جای مانده اشاره دارد به مسائل اجتماعی فرهنگی و غیره که در واقع چشم اندازهای گرانقدر خویش را در دوران حکومت چهار سال و نه ماه خود عرضه کرده و بیان کرده که در حکومت اسلامی عدالت در عرصه های مختلف جامعه به عنوان مهمترین اصل مطرح می شود که در سایه همین امر مهم است بر فرهنگ جامعه

در حوزه اعتقادی و رفتاری تاثیر بسزایی می‌گذارد چرا که اگر کارگزاران به عنوان الگوی جامعه به این مسئله اهتمام نداشته باشند و با بروز مشکلات فرهنگی در حوزه ارزشی جلوگیری نشود به مرور زمان بر سطح فرهنگی جامعه تاثیر خواهد گذاشت و جامعه را از اهداف اصلی خود که اجرای قانون و عدالت باشد دور می‌کند و مشکلات روز به روز به عنوان ضد فرهنگ در جامعه نفوذ خواهد کرد. بنابراین با الگو قرار دادن سیره مدیریتی حضرت، باعث بهتر شدن عملکرد مدیران و کارگزاران نظام خواهیم شد و از بروز بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری خواهیم کرد چرا که قبول کردن هر مسئولیتی در گرو تعهد آنان نسبت به مردم و جامعه است. از این جهت که تاثیر مستقیم آن در رشد و سعادت و پابندی یک جامعه به قانون و دستور حاکم باعث رشد و ترقی آن جامعه می‌شود و از آسیب‌ها و مشکلاتی که حکومت‌ها در طول تاریخ به آن مبتلا بودند در امان خواهد بود و و بنابر بیان نورانی حضرت امیر(ع) که می‌فرماید: «اگر حکومت اسلامی بخواهد در مسیر به سعادت رساندن انسان‌ها موفق باشد، به یقین باید کارگزاران حکومتی خود از عوامل و آسیب‌ها و مسائل فرهنگی همچون رفاه زدگی، اختلاف طبقاتی بین آنها و مردم و از این قبیل مشکلات به دور باشند که بخشی از آنها را با استفاده از دوران حکومت حضرت بر اساس تکیه بر نهج البلاغه در این پژوهش مورد بحث قرار داده‌ایم.

بنابراین امیرالمؤمنین بعد از پیامبر اسلام بر اساس آموزه‌های دینی و با دنبال کردن راه آن حضرت حکومتی را تشکیل دادند که از کارگزاران مختلف در زمینه‌های متفاوت استفاده می‌برند، لذا بی‌شک یکی از مشکلاتی که متوجه نظام‌های حکومتی در سطح همه جوامع می‌شود بی‌کفایتی و فساد کارگزاران است که همین عامل مهم است که موجب از هم گسیختگی حکومت و کینه مردم به نظام و تاثیرات فرهنگی در حوزه اعتقادی در سطح جامعه خواهد گذاشت که ما در این پژوهش با توجه به تکیه بر نهج البلاغه و منابع تاریخی سیره مدیریتی حضرت در شناسایی مسائل فرهنگی

مدیران و کارگزاران در حوزه ارزشی اعتقادی را مورد بررسی و خوانش قرار داده ایم، بنابراین اگر کارگزاران که به عنوان الگوی افراد جامعه، به عنوان نماد حکومت اسلامی هستند در بینش و ارزش خود دچار اشتباه و مشکل شوند بر روی فرهنگ عمومی مردم جامعه تأثیر منفی خواهند گذاشت و جامعه از اهداف عالی خود دور خواهد شد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
۱. آراسته خو، محمد، نقد ونگرش برفرهنگ اصطلاحات اجتماعی-علمی، چاپ اول، تهران، ناشر چاپخش، ۱۳۸۱.
 ۲. اداک، صابر، اخلاق زمامداری، اول، تهران، کویر، ۱۳۹۴.
 ۳. بیان، حسام الدین، آئین مدیریت، چاپ اول، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری، ۱۳۷۰.
 ۴. جمشیدی، اصغر، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوم، تهران، صفار، ۱۳۸۸.
 ۵. ذاکری، علی اکبر، سیمای کار گزاران علی ابن ابی طالب امیرالمومنین(ع)، ۴جلدی، سوم، تهران، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۷۵.
 ۶. رحمانی، جعفر، سازمان و مدیریت فرهنگی، چاپ اول، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۴.
 ۷. رضاییان، علی، اصول مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۷۶.
 ۸. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، اول، قم، موسسه امام صادق، ۱۳۷۴.
 ۹. سید رضی، ترجمه نهج البلاغه امام علی علیه اسلام(دستی)، ۱، اول، قم، موسسه انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
 ۱۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی(متوسط جلد سوم)، چاپ خانه سپهر، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۷۱.
 ۱۱. واسعی، سید علیرضا، راهبردهای ائمه در مواجهه با ناهنجاری اجتماعی، اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
 ۱۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب(ابن واضح یعقوبی)، تاریخ یعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، ۲جلدی، چاپ ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

پایان نامه

۱۳. سلیمانی، محمد رضا، عزل و نصب کار گزاران حکومتی در سیره امام علی(ع) و انطباق آن بر عملکرد مقام معظم رهبری، سطح سه حوزه علمیه، ۱۳۹۶.

منابع عربی

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ ج ۴، بیروت، دارالصار، ۱۴۱۴ق.

منابع لاتین

15. Grififn/Rickyw/Management/Boston:Houghton miffLin1996.